



میر عبدالواحد سادات

مدافعان غیور غزنی خونین دل و سوگوار را گرامی میداریم:

غزنی باستان و پایتخت فرهنگی و تمدن جهان اسلام در راستای اهداف جهانسوزان قرن (۲۱) که بر اساس پلانیهای شیطانی از کابل و تا ... بیروت را بخاک و خون کشانیده اند ، تا تاریخ ، فرهنگ و اراده مردم را نابود ، سازند ، به آتش میسوزد.

افغانان داغدار در همه جا به چون و چرای حادثه مصروف اند و چه بهتر که بقول حضرت مولانا ، به ضروری ترین ها پردازیم و فایق آمدن بر مصیبت را هدف نخستین قرار بدهیم.

بیشتر از چهار دهه است که دشمنان تاریخی افغانستان بخاطر نابودی ما تلاش دارند و یک افغانستان ضعیف و افغانان متفرق را منطبق با منافع ملی شان میدانند و بر مبنای همین ستراتیژی جنرال ضیا الحق یکی از خبیث ترین دشمنان ما علنی اعلام کرد که :
" کابل باید بسوزد "

افغانستان بحساب موقعیت خاص جیوپولوتیک خود ، پیوسته در معرض تهاجم قرار داشته و شاید درین ارتباط یک استثنا در مقیاس جهان باشد ، در بازیهای بزرگ بحساب دروازه هندوستان ، بمثابة نطع جنگ سرد و به تعقیب ان بحیث معبر ورود به آسیای میانه و در دور جدید بازی های بزرگ که بسیار خونین تر میباشد در معرض کشمکش های شدید جیوپولوتیک اقتصاد محور بین المللی و منطقوی و جنگ های نیابتی آنان ، قربانی میدهد . افزون بر تداوم جنگ اعلام نا شده پاکستان ، دسایس ایران و تباری روسیه و سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس و رقابت ذات البینی آنان و سایر اعضای ناتو بر " زخم خونین " ما نمک می پاشند.

اظهر من الشمس است که فقدان دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر ، پاشنه اشیل افغانستان است در چنین منجلاب خونین و با نگاه دلسوزانه به نعل اشسته بخون مادر وطن ، قبل از هر وقت دیگر باید در پرتو خرد و عقل گرای و نقادانه بسراغ مادر علت ها برویم و بیاد داشته باشیم که بقول حضرت فردوسی که پایتخت شهنشاه نامدارش را آتش زده اند:

به یزدان اگر ما خرد داشتیم
کجا این سر انجام بد داشتیم

باید این واقعیت تلخ را همه ما بپذیریم که :

که قبل از آنکه کابل را سوختاندند و یا غزنی را آتش زدند ، ما در آتش افتراق میسوختیم و میسوزیم ، بدینرو بسیار عاقلانه و عادلانه است تا با هستیری ضدیت با این و ان وداع نماییم و بر مبنای تجربه دردناک و خونبار تاریخی درک نماییم که سوختن غزنی ، سوختن تمام ما است و زمانیکه یکی از دروازه ها

و معابر اساسی کابل را به این سادگی آتش میزنند ، سوختاندن کابل چندان بعید نخواهد بود و متأسفانه در هنگام سقوط خوست و در دو نیم دهه قبل ما افغانان نتوانستیم عمق پلان دشمن را درک و به منافع کلان و ملی توجه نکردیم.

ملت بزرگ ما که جنگ و مصایب چهار دهه را متحمل و اکنون درین مصیبت جاری فرزندان قهرمان شان به قیمت جان و خون خود مدافع وطن به عزا نشسته میباشند ، در گرو رهبران کوچک قرار دارند و تاجران دین ، تیکه داران " جهاد، دکانداران قوم و جلابان سیاسی مانع گذار افغانستان بشاهراه صلح و ترقی میباشند.

امروز که غزنی باستان و هویت تاریخی و فرهنگی ما را آتش زده اند ، ما همه غزنیوال و غزنوی هستیم و به پاسداران جهالت و بربریت که با نعره اله و اکبر جنایات شانرا کتمان میدارند ، نعره شاعر بزرگ غزنه و سر سلسله صوفیان پاکنهاد را تکرار مینماییم که:

مسلمانان ، مسلمانان ، مسلمانان ، مسلمانان ، مسلمانان ،
ازین ایین بی دینان پشیمانی ، پشیمانی

با حرمت